محمدحسن حبیبی
عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران

دکتر هاشمی استادی نمونه، مدافع حق و همواره دلسوز کشور بود

در باب شأن علمی استادم روانشاد دکتر سیدمحمد هاشمی، بنده کوچک‌تر از آنم که بخواهم بیانی داشته باشم، لکن به عنوان شاگرد دوره دکترای حقوق عمومی و وابستگی دلی که هر شاگردی برای شأن معنوی استادش قائل است، شاید جسارت نباشد که چند جمله‌ای بیان دارم. آشنایی‌ام با آثار استاد پس از ورود به دوره کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی فراهم شد. پس از تبدیل وضعیتم به هیئت‌علمی برای تدریس درس حقوق اساسی ایران، استاد عزیزم مرحوم دکتر سیدابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی کتاب‌های استاد هاشمی را معرفی کرد لذا با هماهنگی فرزند جناب دکتر هاشمی و دریافت کتب دوجلدی حقوق اساسی اجازه گرفتم که با حضور در دفتر ایشان در شهرک ژاندارمری نکات مربوط به مباحث حقوق اساسی را مطالعه کنم و بعد با اخذ شماره تماس زمینه رفع اشکالات خود را با ایشان در میان گذارم. این فرصت دیدارهای دوجانبه از سال ۱۳۸۱ با ورود به دوره دکترای حقوق عمومی در دانشگاه شهید بهشتی بیشتر شد و همچنین امکان تدریس دروس حقوق عمومی در دانشگاه شهید بهشتی زمینه دیدارهای بیشتری را برایم فراهم کرد. در سال‌های بعد با توجه به اینکه زنده‌یاد استاد هاشمی استاد راهنمای دوره دکترایم با موضوع حقوق اساسی بودند، از ایشان بهره‌های زیاد بردم. در مرحله بعد از فارغ‌التحصیلی دوره دکترا و همکاری این‌جانب برای دوره کارشناسی‌ارشد حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی زمینه حضور در دانشگاه شهید بهشتی برایم بیشتر فراهم شد. علاوه بر آن، تدریس برخی از دروس حقوق عمومی در آن دانشگاه در کنار استاد، همراهی با ایشان در تصحیح اوراق امتحانی مختلف، طرح سؤالات لازم برای سازمان سنجش، همراهی در روند تجدیدنظر تألیفات قبلی استاد، سفرهای مختلف مشترک در سطح کشور برای سخنرانی‌های علمی هر یک حوزه‌هایی بودند که از نزدیک شاهد دقت‌های علمی بالا و تعهد و وفاداری ایشان به حق و حقیقت بودم. جناب استاد واقعا سید حسینی بودند؛ بسیار مقید به انجام عبادت بودند و سر وقت نماز را بجا می‌آوردند و در همه ساعات روز بدون وضو نبودند و مقید به روزه و اعمال عبادی بودند. لذا از نظر اعتقادی هم به دلیل باور دینی برجسته ایشان وابستگی‌های متقابل شاگرد و استاد تقویت شد و حتی در سفر حج همراه بودیم. آن استاد مقید بود که هرساله در نوروز و تابستان برای عرض ارادت به محضر امام رضا(ع) به مشهد سفر کنند و این سفرها گاه با همراهی این‌جانب انجام می‌شد. دکتر هاشمی فردی صاف و ساده و بی‌ریا بودند و در مقام امر به معروف و نهی از منکر زبان گویایی داشتند، لذا از روی صداقت در رفتار در مواردی در مقام تذکر برمی‌آمدند. بنده در حوزه تذکرها و انتقادات عمومی ایشان، در مواردی مورد مشورت استاد قرار می‌گرفتم و تلاش می‌کردم تا به‌عنوان یک فرزند آنچه را مفید می‌دانم، تقدیم دارم. خود این اهمیت‌دهی مشورت‌گرفتن‌های استاد از شاگرد واقعا درس‌آموز است. استاد هاشمی علاوه بر تدریس و تربیت شاگردان متعدد طی چند دهه، در عرصه مدیریت آموزشی و پژوهشی نیز اثرگذار بودند. سال‌ها مدیریت گروه حقوق عمومی در دانشگاه شهید بهشتی و متعاقب بازنشستگی، سال‌ها مدیریت گروه در دانشگاه آزاد از ایشان یادگارهای مهمی بر جای گذاشت. استاد حتی بعد از قطع رابطه آموزشی با دانشگاه‌ها باز در مقام تدریس و تربیت جوانان و همفکری با سایر استادان به‌طور مستمر در دفتر کار شخصی خود امکان انجام این امر را فراهم می‌کردند و هفته‌ای دو روز مباحث علمی و تحقیقاتی را مورد مذاکره جمعی قرار می‌دادند.

از حیث اخلاقی، استاد در جمع دانشجویان کلاس‌های مربوطه چه در دوره کارشناسی‌ارشد و چه در دوره دکتری، در خانواده بزرگ حقوق عمومی مانند پدری دلسوز و مهربان با تک‌تک دانشجویان رفتار پدرانه و مهربانی داشتند و مرتب جویای احوال یکایک افراد می‌شدند. حتی در سال‌های آخر عمر شریف خود که برخی بیماری‌ها بر ایشان عارض شده بود باز به بهانه‌های مختلف احوال شاگردان خود را می‌پرسیدند و امکان تماس و احوالپرسی را فراهم می‌کردند. استاد به انجام پژوهش واقعی و جدی در کشور اهمیت زیادی می‌داد و گلایه‌مند بود که بعضا آثاری منتشر می‌شود که متعلق به کسی که نامش بر کتاب یا مقاله درج شده، نیست و سرقت از تلاش دیگران انجام شده است. چنانچه نسبت به سرقت برخی از آثار و نوشته‌های خود که توسط دیگران منتشر شده نیز متأثر بود و ترویج این‌گونه رفتارها را برای کشور خطرناک توصیف می‌کرد. آن مرحوم با آنکه وکیل دادگستری استان تهران بود ولی هیچ‌گاه از وکالت برای گذران زندگی خود استفاده نکرد و ترجیح داد دفاع از حق و عدالت را در مقام یک استاد دانشگاه یا فعال مدنی به انجام رساند و زندگی ساده‌اش را از دستمزد معلمی بگذراند. استاد هاشمی مشعل فروزان حقوق عمومی در کشور بود که پیرامون خود طی چند دهه تلاش، جریان علمی مستحکم و فراگیری را در اقصی‌نقاط کشور شکل داد. امروزه دانشوران حقوق عمومی و استادان این رشته عمدتا راه آن استاد در دفاع از حقوق مردم را پیگیر هستند و این باقیات الصالحات آن زنده‌یاد ان‌شاءالله که روزبه‌روز تقویت شود. روح آن استاد بزرگ شاد و قرین رحمت الهی باد.

کامبیز نوروزی
حقوق‌دان

مسئولیت اجتماعی حقوق‌دان

از سال ۱۲۹۹ که مدرسه حقوق در ایران تأسیس شد و کمی بعد با تأسیس دانشگاه تهران به دانشکده حقوق بدل شد تا امروز که بیش از یک قرن می‌گذرد، افراد پرشماری بودند که دانش‌آموخته حقوق شدند. در دو دهه اخیر هم با رشد قارچی دانشکده‌های حقوق در انواع دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی بر این تعداد بسیار افزوده شد. از میان این تعداد برخی لباس قضاوت به تن کردند، گروهی حرفه‌های وکالت و سردفتری را برگزیدند، عده‌ای کار در ادارات را ترجیح دادند و گروهی نیز با اخذ مدارک لازم به تدریس در دانشگاه‌ها پرداختند و به کسوت استادی درآمدند.

اما در میان هزاران نفر از اینان، نام‌های اندکی می‌بینیم که در برابر جامعه خود را در حدی از مسئولیت ببینند که به صورت مستقیم اندیشه حقوقی خود را در مقابل مشکلات مردمان به کار اندازند، در عرصه عمومی رنج‌ها و آلام مردمان را سوژه کار قرار بدهند و روشنگری کنند.

بخش بزرگی از کارهای حقوقی به ناگزیر با رنج‌های مردمان سروکار دارد. نزد وکیل یا قاضی می‌روند تا به یاری اینها از درد خود بکاهند و حقی را که از ایشان ضایع شده است بازستانند. این چیزی دیگر است و تفاوتی بزرگ دارد با اینکه یک اندیشمند حقوقی بر اساس احساس مسئولیت اجتماعی آلام گروهی و جمعی ملت را ببیند، برای آن اهمیت قائل باشد، به سکوت تن ندهد، زبان و قلم خود را به کار اندازد و به ستم نه به عنوان یک مشکل شخصی افراد، بلکه به مثابه پدیده‌ای جمعی حمله برد و آن را به نقد و بررسی حقوقی بکشد.

کمبود شدید مسئولیت اجتماعی درد و فقدانی بزرگ در مجموعه جامعه حقوقی ایران است. در سراسر تاریخ صدساله آموزش حقوق مدرن در ایران اگر جست‌وجو کنید نام‌های بسیار اندکی از این جامعه و خصوصا استادان حقوق می‌بینید که پا به عرصه عمومی نهاده باشند و به عنوان حقوق‌دان مسئولیت اجتماعی خود را در جهت احقاق حقوق عامه و مقابله با بی‌عدالتی ادا کرده باشند و میزانی برای تفکیک بین عدل و ظلم، مشروع و نامشروع و قانونی و غیرقانونی ارائه کرده باشند.

همین الان نگاه کنید و ببینید در میان این همه مسائل و مشکلات عمومی که جامعه ایران را به تلاطم کشانده است، جز سکوت از دانشکده‌های حقوق شنیده نمی‌شود. نهادهای حرفه‌ای مرتبط با این رشته نیز بر همین منوال پیش می‌روند. مثلا انجمن روان‌پزشکان در مورد مجازات‌های شگفت‌انگیز علیه زنان مرتکب بی‌حجابی سخن می‌گویند و نامه می‌نویسند، اما دانشکده‌های حقوق و نهادهای صنفی حقوقی لب از لب باز نمی‌کنند.

باید تأکید کنم که شخصا از نظر علمی مدیون بسیاری از استادان هستم که اغلب در زمره بهترین استادان حقوق بوده‌اند. عالمانی که نه فقط بر گردن من، بلکه بر گردن علم حقوق کشور دین عظیم دارند. اما آمیختن این علم با مسئولیت اجتماعی چیزی دیگر است.

تعداد حقوق‌دانان، اعم از استاد یا غیراستادی که در همین زمینه‌ها و موارد دیگر می‌نویسند و می‌گویند بسیار اندک است. به همین خاطر است که آن دسته از حقوق‌دانان و خصوصا استادان حقوق که مسئولیت اجتماعی خود را می‌بینند و آن را قبول می‌کنند و بر اساس مسئولیت اجتماعی اندیشه حقوقی خود را به عرصه عمومی می‌آورند انسان‌های کمیابی هستند که اگر نباشند جایشان خالی می‌ماند. بی‌شک استادان دیگری خواهند بود که به جای آنها در دانشکده‌ها به دانشجویان درس بدهند ولی جای آنها به‌عنوان حقوق‌دان و استادی که به سهم خود چراغی برای مردم روشن می‌کرد، در جامعه خالی می‌ماند و پر نمی‌شود. اینها دره نادره‌اند.

سخن کوتاه! دکتر محمد هاشمی در زمره همان اندک‌ها بود که دامن از جامعه‌اش برنگرفت. مسئولیت اجتماعی‌اش را شناخت و آن را حتی در سال‌های کهولت نیز ادا کرد. قصد آن ندارم که از مدارج دانشگاهی و کارها و کتاب‌ها و مقالات علمی او بگویم، دیگرانی که بعضا بر من رجحان دارند اینها را گفته‌اند و می‌گویند و خواهند گفت. آنچه مایلم بر آن بیشترین تأکید را داشته باشم همین نکته است که او حقوق‌دانی بود برای مردم. در ستیز مدنی مردم برای عدالت احقاق حقوق عمومی با همگانی‌کردن اندیشه‌اش حضور مستقیم داشت. یعنی در جایی حضور داشت که از هم‌رشته‌ها و هم‌سلکانش کمتر حضور داشته‌اند. این حضور زیوری که بسیاری از آن گریزانند و فقر علمی و اجتماعی این رشته را از همیشه بیشتر و زیان‌بارتر کرده است.

پیشگام ترویج حقوق عمومی

بازخوانی جایگاه بی بدیل دکتر سید محمد هاشمی در عرصه قضا

دکتر سیدمحمد هاشمی، استاد بزرگ حقوق عمومی در اواخر سال گذشته به دیار باقی شتافت. سیدمحمد هاشمی متولد ۱۳۲۰ در قم بود. او در ۲۷ سالگی لیسانس حقوقش را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران گرفت. او فوق‌لیسانس حقوق عمومی را از انستیتو بین‌المللی مدیریت عمومی فرانسه کسب کرد. سپس دکترای حقوقش را از دانشگاه پاریس یک یا همان پانتئون-سوربن در سال ۱۹۷۵ دریافت کرد. او بانی شکل‌گیری گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و سال‌ها مدیر این گروه بود. از او تألیفات مرجع در حوزه حقوق عمومی باقی مانده است. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در دو جلد، حقوق کار، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ازجمله تألیفات ماندگار آن مرحوم است. این استاد از معدود ایرانیانی است که در سال‌های گذشته توانست به جایگاه عضویت در سازوکارهای حقوق بشر سازمان ملل درآید. او چندین سال عضو کارگروه بازداشت‌های خودسرانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بود. او علاوه بر استادی رشته حقوق و تربیت صدها شاگرد که بسیاری از آنها هم‌اینک استادان شناخته‌شده حقوق عمومی هستند، چند دهه عضو شورای عالی کمیسیون حقوق بشر اسلامی بود. او همچنین در کانون وکلای دادگستری مرکز عضویت داشت و تلاش می‌کرد در قالب کمیسیون حقوق بشر آن نهاد مباحث تخصصی ذی‌ربط را بسط دهد. این استاد برجسته و شناخته‌شده علم حقوق، در اوایل دهه ۸۰ شمسی نشان درجه یک دانش را نیز از رئیس‌جمهور وقت دریافت کرد. نظر به اینکه گرایش حقوق عمومی به‌عنوان یکی از رشته‌های تابعه دانش حقوق اصولا به مباحثی می‌پردازد که در ارتقای رعایت حقوق انسانی تأثیر اساسی دارد و استاد هاشمی نیز یکی از پیشگامان ترویج این نگاه به حقوق عمومی در چند دهه پس از انقلاب اسلامی بوده است و یادگارهای مهم علمی و تجربی و انسانی از خود بر جای گذاشته، جا دارد شناخت بیشتری از او به دست آوریم و ضمن نکوداشت نام و یاد و راه او، ابراز امیدواری کنیم که شاگردان ایشان و عموم حق‌طلبان و آزادی‌خواهان در گسترش فرهنگ رعایت حقوق انسانی از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

پایداری بر قانون اساسی، پافشاری بر اجرای اصول آن مخصوصا اصول مربوط به حقوق ملت

حسین مهرپور

درود خدا و رحمت و غفران الهی بر روح همکار و دوست گرامی‌مان مرحوم دکتر سیدمحمد هاشمی.

دکتر هاشمی از بنیان‌گذاران شرح و تبیین منطقی قانون اساسی نوظهور جمهوری اسلامی ایران بود، حقوق اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران را به گونه‌ای که با عرف عقلایی سازگار و از اصل و ماهیت دینی آن دور نباشد، تشریح کرد، عنایت خاصی در تبیین موازین و مبانی عقلی و شرعی آن داشت و بر لزوم عملی‌ساختن و عدم نقض اصول آن پافشاری می‌کرد. در عین حال، در زمینه حقوق بشر که در قانون اساسی هم به‌ویژه در فصل مربوط به حقوق ملت جایگاه والایی دارد، به‌خوبی کار کرده و در هر دو زمینه آثار مفیدی از خود بر جای گذاشت. دکتر هاشمی فردی متدین و معتقد به اسلام و تعالیم و احکام آن بود و در زمینه حقوق اساسی انسان، هم به آیات مربوطه قرآن تمسک می‌کرد و هم به اصول قانون اساسی. در این اواخر عموما در جلسات راجع به حقوق بشر و اجرای عدالت، تکیه‌کلامش آیه ۲۵ سوره حدید «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط» بود که خداوند انجام مأموریت پیامبران و انزال کتاب و احکام توسط آنها را به منظور قیام خود مردم به قسط و اجرای عدالت دانسته است.

آن مرحوم در زمینه قانون اساسی و حقوق بشر مندرج در آن مخصوصا حق آزادی، با تأکید و باور خاصی، اصل نهم قانون اساسی و مخصوصا قسمت اخیر اصل مزبور را که می‌گوید: «... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند»، با عنایت و می‌توان گفت با حضور قلب ویژه‌ای تکرار می‌کرد. بنده کمترین هم به مناسبت وظایفی که در شورای نگهبان در ارتباط با قانون اساسی داشته یا موارد شرکت در جلسات داخلی و بین‌المللی مربوط به حقوق بشر یا مسئولیت هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و چگونگی عملی‌ساختن مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی، در تمامی این سال‌ها از مصاحبت علمی آن دوست گرامی و استاد ارجمند متمتع و بهره‌مند شدم. مبنای قانونی تشکیل هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در سال ۱۳۷۶ و تبیین وظایف ذی‌ربط، علاوه بر اصل ۱۱۳ قانون اساسی بخشی از قانون عادی اصلاح قانون حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ بود که تقریر و انشای متن قانون یادشده از سوی دکتر هاشمی در زمان خود انجام شده است.

خداوند ایشان را مشمول رحمت واسعه خود و برخوردار از این صداقات جاریه علمی و عملی قرار دهد.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (سوره حشر-آیه ۱۰)

* عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

درباره حقوق عامه

رحیم نوبهار*

این نوشتار را به روانشاد استاد دکتر سیدمحمد هاشمی تقدیم می‌کنم؛ استادی که تلقی حق‌بنیاد از حقوق عمومی داشت و گوهر حقوق عمومی را حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌دانست.

۱- بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع را از وظایف و مسئولیت‌های قوه قضائیه برمی‌شمارد. البته در مقدمه و متن قانون ...

حق بر حقیقت در حقوق بین‌الملل

محمدرضا ضیایی بیگدلی

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در تاریخ سوم آذرماه ۱۴۰۱ در قطع‌نامه‌ای کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقلی را در مورد ایران برای رسیدگی و واکاوی موارد ادعایی نقض حقوق بشر با تأکید بر حقوق زنان و کودکان تشکیل داد و سه متخصص خانم از اتباع کشورهای بنگلادش، پاکستان و آرژانتین را انتخاب کرد تا به موارد مذکور رسیدگی کرده و گزارش کار خود را به شورا ارائه کنند. این مناسبت و مصادف‌شدن چهارم فروردین‌ماه ۱۴۰۲ با روز جهانی «حق بر حقیقت» مرا بر آن داشت تا این یادداشت را در یادبود دوست و همکار بسیار عزیزم مرحوم مغفور استاد سیدمحمد هاشمی که عمر پربرکتش را در تلاش برای حق و حقیقت سپری کرد، قلم زنم. یادش به خیر و نامش جاودان باد.

برخی از نظریه‌پردازان، حقیقت را موضوعی اجتماعی و برخی دیگر آن را موضوعی عقلانی می‌دانند. درواقع حقیقت موضوعی اجتماعی است که در قالب یک حق مستقل جای گرفته و واجد مفهوم حقوقی شده و توسط دولت‌ها به افراد اختصاص یافته است. به بیان بهتر، حقیقت در مقابل کذب و نادرستی یا بی‌اطلاع‌مانی از وقایعی است که رخ می‌دهد و از این‌رو است که حقیقت را می‌توان زیربنای حکومت قانون به‌شمار آورد. حقیقت‌یابی به تحکیم صلح و سازش و اقدام علیه بی‌کیفرمانی کمک خواهد کرد.

سیدحسین صفایی، رئیس اسبق دانشکده حقوق دانشگاه تهران:

صراحت بیان دکتر هاشمی در دفاع از حقوق مردم، برجسته بود

محمدعلی اردبیلی، استاد حقوق کیفری دانشگاه شهید بهشتی:

مشورت‌دهی دکتر هاشمی به مقامات در عین انتقاد صریح از عملکردهایشان درخور توجه بود

دکتر هاشمی و تکلیف اخلاقی حقوق بشر

نسرین مصفا

دکتر سیدمحمد هاشمی، حقوق‌دان متدین و متعهد

حسین جوان آراسته*